

بسم الله الرحمن الرحيم

تاریخ: 99/06/01

موضوع: آیا می شود یک قطره اشک، این همه ثواب و اثر داشته باشد!؟

ویژه برنامه قتیل العبرات

فهرست مطالب این سخنرانی:

حضرت رقیه (سلام الله علیها) در منابع تاریخی

قطره ای اشک برای امام حسین (سلام الله علیه) و بخشش تمامی گناهان!

ذکر مصیبت سیدالشهداء (سلام الله علیه) از زبان امام رضا (سلام الله علیه)

خاموشی آتش جهنم با یک قطره اشک برای سیدالشهداء

آیا می شود یک قطره اشک این همه ثواب و اثر داشته باشد!؟

هدیه ای ارزشمند از طرف رسول اکرم به حضرت زهرا (سلام الله علیها)

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین و هو خیر ناصر و معین الحمد لله و الصلاة

على رسول الله و على آله آل الله لاسیما على مولانا بقیة الله و اللعن الدائم على اعدائهم اعداء الله إلى يوم لقاء

الله الحمد لله الذى هدانا لهذا و ما كنا لنهتدى لولا أن هدانا الله.

خدا را بر تمام نعمت‌هایش بویژه نعمت ولایت سپاس می‌گوییم و سپاس دیگر که توفیقمان داد در این ایام عاشورایی، در این محفل‌های نورانی که بینندگان عزیزمان در منازلشان تشکیل داده‌اند حضور پیدا کنیم و دقایقی را با گرامیان در رابطه با اهل بیت (علیهم السلام) سخن بگوییم.

حضرت رقیه (سلام الله علیها) در منابع تاریخی

امشب شب سوم ماه «محرم الحرام» هست و متعلق است به دختر سه ساله امام حسین، «حضرت رقیه خاتون». سخن درباره «حضرت رقیه» خیلی زیاد هست و من در رابطه با ایشان بخواهم وارد بشوم باید کل این وقت را به آن اختصاص بدهم.

درباره «حضرت رقیه» بعضی‌ها مخصوصاً وهابی‌ها تردید دارند و تشکیک می‌کنند؛ لذا توجه عزیزان بیننده را به چند نکته جلب می‌کنم.

«ابو مخنف» متوفای سال 157 هجری هست، یعنی معاصر آقا امام صادق (سلام الله علیه) و امام کاظم (سلام الله علیه) بوده است.

ایشان قضیه آخرین وداع حضرت سیدالشهدا را که یکی از جانسوزترین وقایع کربلا هست را نقل می‌کند؛ در آنجا می‌نویسد که حضرت سید الشهداء می‌آید به طرف خیمه‌ها و:

«ثُمَّ نَادَى: يَا أُمَّ كَلْثُومِ! وَيَا سَكِينَةَ! وَيَا زَيْنَةَ! وَيَا عَاتِكَةَ! وَيَا زَيْنَبَ! يَا أَهْلَ بَيْتِي! عَلَيْنُكَ مِنِّي السَّلَامُ»

مَقْتَلُ الْحُسَيْنِ وَ مَصْرَعُ أَهْلِ بَيْتِهِ وَ أَصْحَابِهِ فِي كَرْبَلَاءَ، الْمُسْتَهْزَبِ بِ مَقْتَلِ أَبِي مِخْنَفٍ، ص 131

حضرت خواهرش ام کلثوم، دخترش سکینه، دختر نازنینش رقیه و عاتکه و زینب و اهل بیتش را صدا می‌زند و می‌گوید اهل بیت من شما را به خدا می‌سپارم. این دیگر آخرین دیدار من با شما هست.

«سید بن طاووس» (رضوان الله تعالى عليه) متوفای 664 هجری، از بزرگان شیعه هست کتابی دارد بنام «لهوف»؛ ایشان در صفحه 141 - البته در چاپ اسوه، در چاپ اعلام الوریاء صفحه 236 - اینطور نقل می‌کند که امام حسین (سلام الله علیه) صدا زد:

**«يا أختاه، يا أم كلثوم و أنت يا زينب و أنت يا رقيه و أنت يا فاطمه و أنت يا رباب! أنظرن إذا أنا قُتِلْتُ
فلا تشققن عليّ جيباً و لا تخمشن عليّ وجهاً و لا تقلن عليّ هجراً»**

خواهرم، ام کلثوم و تو ای زینب! تو ای رقیه و فاطمه و رباب! سخنم را در نظر دارید هنگامی که من کشته شدم، برای من گریبان چاک نزنید و صورت نخرائید و سخنی ناروا مگویید.

المُهوفِ عَلَيّ قَتْلَى الطُّفُوفِ، علي بن موسى بن طاووس الحسيني، ناشر: اسوه، ص 141

و همچنین بنابر نقل کتاب «ادب الحسين»، اثر «عباسعلی بهاری اردشیری» در صفحه 46؛ و بنا به نقل مرحوم «آیت الله دربندی» (رضوان الله تعالى عليه) در «اسرار الشهاده»، صفحه 426؛ حضرت سیدالشهداء (سلام الله علیه) فرمودند:

**« الا يا زينب يا سكينه! ايا ولدي! من ذا يكون لكم بعدى؛ الا يا رقيه! يا ام كلثوم! انتم وديعة ربي، اليوم
قد قرب الوعد»**

سکینه رقیه، زینب، ام کلثوم شما همگی امانت‌های خدا بودید در نزد من. دیگر وقت خدا حافظی رسیده، دیدار من با شما به قیامت محول شد.

**موسوعة كلمات الامام الحسين، معهد تحقیقات باقرالعلوم، قم، دارالمعروف، 1415 هـ چاپ اول،
ص 511، ینابیع الموده، ج 2، ص 416**

اینها همه نشان می‌دهد که قضیه حضرت رقیه (سلام الله علیها) از قضایای کاملاً ثابت است و اضافه بر اینکه قبر مطهرش در طول این 1400 سال، مورد عنایت بزرگان ما، مراجع ما، و شیعیان بوده است.

دوست و دشمن به زیارت قبر این دختر سه ساله می‌روند؛ با اینکه دختری هست سه ساله و کوچک ولی «باب الحوائج» است. در بالای ضریح مطهرش نوشته شده:

زائرین قبر من، این شام عبرت خانه است

قبر من آباد، کاخ دشمنم ویرانه است

من در ذهنم می‌آید شاید بیش از 43 سال قبل در کتابخانه «مسجد فاطمیه قم» یک دوره کتاب «چهارده معصوم» مرحوم «جواد فاضل» را مطالعه می‌کردم؛ این قضیه را آنجا دیدم که نوشته بود:

"حضرت رقیه (سلام الله علیها) در میان دختران و فرزندان امام حسین از همه بیشتر به حضرت زهرا (سلام الله علیها) شباهت داشت. سید الشهدا علاقه خاصی به این دختر داشت."

معمولاً دختر موقع خوابیدن در کنار مادر می‌خوابد؛ ولی این رقیه هر شب در آغوش پدر می‌خوابید، شب عاشورا، آقا سید الشهدا مشغول خطبه خواندن بود، نماز خواندن بود، وصیت کردن بود؛ می‌نویسد:

"این دختر منتظر شد تا بابا بیاید در آغوش پدر بخوابد، می‌رفت داخل خیمه، می‌آمد بیرون؛ دید پدر مشغول نماز و عبادت هست؛ با آن دست‌های کوچکش، خاک کربلا را جمع کرد، برای خودش متکایی درست کرد، صورت کوچکش را بر روی خاک گذاشت. اولین شبی بود که بدون بابا خوابید، و در طول سفر هم همواره از عمه‌اش سؤال می‌کرد: پس پدرم کجاست؟ بابا مگر سفر رفته؟ چرا بر نمی‌گردد؟"

من نمی‌دانم در خرابه شام چه گذشت؛ ولی همین قدر بگویم یکی از اساتید فن نقل می‌کرد - بنده خودم ندیدم - در شام شهادت رقیه دیدند آقا امام زین العابدین خیلی دارد بی تاب می‌کند، گریه می‌کند، عرض کردند: یابن

رسول الله چرا این همه بی تابی می‌کنید، فرمود: من به یادم افتاد این خواهرم رقیه، یک شب با دست کوچکش دست من را گرفت و روی شکمش قرار داد گفت: داداش، آیا مثل من گرسنه‌ای در شام دختری هست؟

نگارنده کتاب «فروغ تابان» در صفحه 366، می‌نویسد: "وقتی که زن غسله، داشت بدن رقیه را غسل می‌داد، دست از غسل کشید، رو کرد به زینب، عرض کرد: این دختر بچه چه بیماری داشت؟ فرمود: چطور؟ گفت: تمام پوست بدنش سیاه است! زینب فرمود: بیماری نداشت، اینها همه در اثر تازیانه ای بود که بر بدن این نازدانه وارد شده بود."

«على لعنت الله على القوم الظالمين»

خدایا به آبروی این دختر سه ساله، فرج مولای ما نزدیک و ما را از یاران خاصش قرار بده.

قطره ای اشک برای امام حسین (سلام الله علیه) و بخشش تمامی گناهان!

اما بحثی که ما داشتیم در شب‌های گذشته، اقامه عزا برای حضرت سیدالشهدا (سلام الله علیه)، و پاداش گریه برای امام حسین بود که عرض کردیم یکی از آثار گریه برای امام حسین و اهل بیتش این است که خدای عالم به برکت این گریه، تمام گناهان گریه کن را می‌بخشد.

عرض کردیم که آقا امام رضا (سلام الله علیه) فرمود:

«يَا ابْنَ شَيْبٍ إِنْ بَكَيتَ عَلَى الْحُسَيْنِ حَتَّى تَصِيرَ دُمُوعَكَ عَلَى خَدَيْكَ غَفَرَ اللَّهُ لَكَ كُلَّ ذَنْبٍ أَدْنَبْتَهُ صَغِيرًا

كَانَ أَوْ كَبِيرًا قَلِيلًا كَانَ أَوْ كَثِيرًا»

همین که اشک چشمانت از گونه‌هایت جاری می‌شود خدا تمام گناهانت را می‌بخشد صغیره باشد، کبیره باشد، کوچک باشد، بزرگ باشد.

إقبال الأعمال (ط- القديمة)، ابن طاووس، علی بن موسی، ناشر: دار الکتب الإسلامیه، تهران - 1409ق؛

ج2، فصل فیما نذکره من عمل أول لیلة المحرم، ص 545

در روایت دیگر مرحوم «علامه مجلسی» در «بحارالانوار» جلد 44، صفحه 293، آورده است که امام باقر (سلام الله علیه) فرمودند:

«مَنْ ذَرَفَتْ عَيْنَاهُ عَلَىٰ مُصَابِ الْحُسَيْنِ وَ لَوْ مِثْلَ جَنَاحِ الْبَعُوضَةِ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ ذُنُوبَهُ وَ لَوْ كَانَتْ مِثْلَ زَبَدِ الْبَحْرِ»

هر کس در مصیبت حسین گریه کند ولو به اندازه یک پر پشه باشد، خدا تمام گناهان او را می‌بخشد، ولو به اندازه کف دریاها باشد خدا گناه او را می‌بخشد.

بحار الأنوار (ط- بیروت)، مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی؛ ناشر: دار إحياء التراث العربی، بیروت -

1403؛ ج 44، ص 293، ح 38

مرحوم «علامه مجلسی» در ادامه روایت می‌نویسد: "در مجلس یک جاهلی بود که ادعای علم می‌کرد. او اعتراض کرد گفت: این روایت با عقل نمی‌سازد."

مگر می‌شود به اندازه یک پر پشه‌ای انسان گریه کند و خدای عالم، همه گناهان او را ببخشد؟! می‌گوید: بحث و جلسه تمام شد و من رفتم.

همین فردی که اعتراض کرده بود، رفت و خوابید. در خواب دیده بود قیامتی هست مردم اینطرف و آنطرف می‌روند. من دیدم از دور یک بوی آبی می‌آید. خیلی تشنه بودم. آمدم دیدم یک حوض عظیمی هست. گفتم این حوض چیست؟ گفتند این حوض کوثر هست.

دیدم آب گوارایی در این حوض هست، در کنار حوض دیدم دو مرد و یک زن که نور اینها تمام قیامت را روشن کرده، ایستاده اند. گفتم: این دو مرد چه کسانی هستند؟ و آن زن چه کسی هست؟ گفتند: آن دو مرد رسول اکرم و امیرالمؤمنین و آن زن صدیقه طاهره هست! رفتم جلو نزدیک حضرت زهرا (سلام الله علیها) شدم گفتم:

« يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ إِنِّي عَطْشَانُ »

ای دختر پیامبر خدا، من تشنه هستم.

«فَنظَرْتُ إِلَيَّ شَرًّا وَ قَالَتْ لِي أَنْتَ الَّذِي تَتَكَبَّرُ فَضَلَ الْبُكَاءِ عَلَى مُصَابِ وَلَدِي الْحُسَيْنِ وَ مُهَجَةَ قَلْبِي وَ قُوَّةَ عَيْنِي الشَّهِيدِ الْمَقْتُولِ ظُلْمًا وَ عُذْوَانَا»

با حالت غضب به من نگاه کرد فرمود: تو همان هستی که فضیلت گریه بر فرزندم حسین را انکار کردی؟

بحار الأنوار (ط- بیروت)، مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی؛ ناشر: دار إحياء التراث العربي، بیروت -

1403؛ ج 44، ص 293 - 296، ح 38

می‌گویند در این حال از خواب بیدار شدم، گریه کردم و توبه کردم. فردا در همان مجلس حاضر شدم و جریان خوابم را برای مردم نقل کردم. یک غوغایی شد. مردم شیون و گریه کردند، ناله زدند، برای همه ثابت شد گریه برای امام حسین از عواملی هست که باعث می‌شود گناهان انسان بخشیده بشود.

ذکر مصیبت سیدالشهداء (سلام الله علیه) از زبان امام رضا (سلام الله علیه)

مرحوم «شیخ صدوق» کتابی دارد بنام «الأمالی»؛ ایشان در این کتاب در صفحه 190، از آقا امام رضا (سلام الله علیه) روایت مفصلی نقل می‌کند که حضرت می‌فرماید:

«إِنَّ الْمُحَرَّمَ شَهْرٌ كَانَ أَهْلُ الْجَاهِلِيَّةِ يُحَرِّمُونَ فِيهِ الْقِتَالَ»

محرم در زمان جاهلیت ماه حرام بود؛ حتی مردان در دوران جاهلیت، کشت و کشتار را در محرم تعطیل می‌کردند.

«فَاسْتُجِلَّتْ فِيهِ دِمَاؤُنَا وَ هُتِكَ فِيهِ حُرْمَتُنَا»

ولی دومان بنی امیه در این ماه خون ما را حلال کردند، حرمت ما را هتک کردند، عزیزان ما را به اسارت گرفتند.

«وَأُضْرِمَتِ النَّيْرَانُ فِي مَضَارِينَا»

به خیمه‌های آتش زدند.

«وَأُنْتَهَبَ مَا فِيهَا مِنْ ثَقَلَانَا»

هر آنچه که در خیمه‌ها بود همه به خاکستر مبدل شدند.

الأمالی (للصدوق)، ابن بابویه، محمد بن علی، ناشر: کتابچی، تهران - 1376ش؛ ص 128، ح 2

آتش به آشیانه مرغی نمی‌زنند

گیرم که خیمه، خیمه آل عبا نبود

واقعاً یکی از حوادث خیلی جان سوز در کربلا، همین قضیه‌ای است که نقل است بچه‌های امام حسین نگاه می‌کنند که خیمه‌ها شعله‌ور شده و آتش گرفته‌اند و تمام آن به خاکستر مبدل شده است.

در میان آن همه جمعیت، یک نفر دلش به رحم نیامد، یک نفر به اهل بیت رسول الله احترام نگذاشت، شاید می‌خواستند انتقام «بدر» و «حنین» را بگیرند؛ می‌خواستند انتقام «جمل» و «صفین» و «نهروان» را بگیرند نمی‌دانم! ولی آنچه که به ذهن‌شان آمد از جنایت خوداری نکردند!

در ادامه روایت، آقا امام رضا (سلام الله علیه) یک جمله ای دارد که خیلی جمله سختی هست. می فرماید:

« **إِنَّ يَوْمَ الْحُسَيْنِ أَفْرَحَ جُفُونَنَا** »

مصیبت حسین پلک‌های چشم ما را زخم کرده است.

یعنی به قدری گریه کردیم که پلک‌های چشم ما زخم شده است.

« **وَ أَشْبَلَ دُمُوعَنَا** »

در این ماه عزیزان ما را در کربلا به شهادت رساندند و اشک‌های ما را جاری کردند.

و بعد می‌فرماید:

« **فَعَلَى مِثْلِ الْحُسَيْنِ فَلْيَبْكِ الْبَاكُونَ** »

اگر کسی بخواهد گریه کند باید در مثل مصیبت حسین گریه کند.

« **فَإِنَّ الْبُكَاءَ إِلَيْهِ يَحْطُ الذُّنُوبَ الْعِظَامَ** »

گریه برای امام حسین گناهان بزرگ را از بین می‌برد، محو می‌کند و حبط می‌کند.

الأمالي (للسدوق)، ابن بابویه، محمد بن علی، ناشر: کتابچی، تهران - 1376 ش؛ ص 128، ح 2

شاهد من این جمله بود که فرمود: « **فَإِنَّ الْبُكَاءَ إِلَيْهِ يَحْطُ الذُّنُوبَ الْعِظَامَ** »؛ یعنی گریه بر امام حسین، دیگر گناهی در پرونده انسان باقی نمی‌گذارد.

این روایت را علاوه بر مرحوم «شیخ صدوق» در «امالی»؛ مرحوم «شیخ حر عاملی» هم در «وسائل الشیعه» جلد 12، صفحه 505 نقل کرده است. و همچنین مرحوم «سید بن طاووس» در «اقبال الاعمال» این روایت را آورده است.

خاموشی آتش جهنم با یک قطره اشک برای سیدالشهداء

در کتاب «کامل الزیارات» اثر «ابن قولویه» که بنا به نظر بعضی از بزرگان ما، مثل «آیه الله العظمی خویی» تمام روات «کامل الزیارات» ثقه هستند؛ در صفحه 101 روایت خیلی عجیبی نقل شده است. روایت صحیح است و نمی‌شود در سندش هم اشکالی کرد. روایت از آقا امام صادق (سلام الله علیه) است که می‌فرماید:

«فَلَوْ أَنَّ قَطْرَةً مِنْ دُمُوعِهِ سَقَطَتْ فِي جَهَنَّمَ لَأَطْفَأَتْ حَرَّهَا حَتَّى لَا يُوجَدَ لَهَا حَرٌّ»

اگر قطره اشکی که برای امام حسین ریخته می‌شود در جهنم بی‌افتد آتش جهنم را خاموش می‌کند و هیچ حرارتی و آتشی در جهنم مشاهده نمی‌شود.

«وَإِنَّ الْمُوجِعَ لَنَا قَلْبُهُ لَيَفْرَحُ يَوْمَ يَرَانَا عِنْدَ مَوْتِهِ فَرْحَةً لَا تَزَالُ تِلْكَ الْفَرْحَةُ فِي قَلْبِهِ حَتَّى يَرِدَ عَلَيْنَا الْخَوْضُ»

آنچنان خوشحالی بر قلب‌های گریه‌کنان امام حسین به هنگام مرگ خدا قرار می‌دهد که این خوشحالی در قلب عزاداران امام حسین هست تا کنار حوض کوثر.

کامل الزیارات، ابن قولویه، جعفر بن محمد، محقق / مصحح: امینی، عبد الحسین، ناشر: دار المرتضویة، نجف اشرف؛ ص 101، ح 6

روایت دیگری را مرحوم «علامه مجلسی» نقل می‌کند در کتاب «بحار الانوار»، جلد 36، صفحه 390؛ که امام باقر (سلام الله علیه) برای «کمیت شاعر» می‌فرماید:

« مَا مِنْ رَجُلٍ ذَكَرَنَا أَوْ ذُكِرْنَا عِنْدَهُ »

اگر کسی یادی از مصیبت ما کند یا در نزد او مصیبت ما ذکر شود

«يَخْرُجُ مِنْ عَيْنَيْهِ مَاءٌ وَ لَوْ مِثْلَ جَنَاحِ الْبُعُوضَةِ»

به اندازه پر پشه اشکی از چشمش در بیاید

«إِلَّا بَنَى اللَّهُ لَهُ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ»

خدای عالم بخاطر این اشک خانه‌ای در بهشت برای او بنا می‌کند

و جالب روایت اینجا است که می‌فرماید:

«وَجَعَلَ ذَلِكَ الدَّمْعَ حِجَابًا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ النَّارِ»

این اشکی که بخاطر حسین ریخته می‌شود حجابی می‌شود، سدی می‌شود، مانعی می‌شود میان این عزادار و آتش جهنم.

بحار الأنوار (ط- بیروت)، مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی؛ ناشر: دار إحياء التراث العربي، بیروت -

1403؛ ج 36، ص 390، ح 2

من در این دو سه دقیقه‌ای که فرصت دارم - حالا إن شاء الله عزیزانمان چهار پنج دقیقه بیشتر به من وقت بدهند - نکاتی را در تکمیل بحث گذشته، از منابع اهل سنت عرض می‌کنم.

آیا می‌شود یک قطره اشک این همه ثواب و اثر داشته باشد؟

شاید برای بعضی‌ها مثل وهابی‌ها یا برای بعضی‌ها که خیلی با مقامات اهل بیت (علیهم السلام) انس ندارند، تعجب‌آور باشد و بگویند مگر می‌شود یک قطره اشک این همه ثواب داشته باشد؟!

مگر می‌شود که خدای عالم تمام گناهان او را ولو به اندازه کف دریاها باشد، ببخشد و حجابی بین او و بین آتش باشد؟!!

خب این آقایان ببینند در کتاب‌های خودشان در کتاب «صحيح بخارى»، حديث 6042؛ اگر دوستان مانيتور من را هم بدهند که ببينندگان عزيز ما ببينند که آقاي «بخارى» متوفى 256 هجرى است و يك سال بعد از ولادت حضرت مهدي (ارواحن فداه) از دنيا رفته است، در جلد پنج، صفحه 2352، حديث 6042 نقل مى كند:

«أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ قَالَ: مَنْ قَالَ سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ فِي يَوْمٍ مِائَةً مَرَّةً حُطَّتْ خَطَايَاهُ وَإِنْ كَانَتْ مِثْلَ زَبَدِ الْبَحْرِ»

اگر کسی در یک روز صد مرتبه «سبحان الله و بحمده» بگوید خدا تمام گناهان او را می بخشد ولو به اندازه کف دریاها باشد.

الجامع الصحيح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي، دار النشر: دار ابن كثير، اليمامة - بيروت - 1407 - 1987، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا؛ ج 5، ص 2352، بَاب فَضْلِ التَّسْبِيحِ، ح 6042

چطور اگر کسی تسبیح خدا بگوید خدای عالم همه گناهان او ولو به اندازه کف دریاها می بخشد، ولی برای ولی الهی، حجت الهی، نور چشم رسول اکرم، میوه دل علی گریه کند خدای عالم این پاداش را ندهد!؟

و همچنین «مسلم نیشابوری» متوفی 261 هجرى در «صحيح مسلم» حديث 597 نقل کرده است که پیغمبر فرمود: اگر کسی تسبیح حضرت زهرا (سلام الله علیها) که مستحب مؤکد هست که بعد از هر نماز، تسبیح حضرت زهرا (سلام الله علیها) گفته شود، و امام صادق فرمود اگر من تسبیح حضرت زهرا را بگویم برایم از یک هزار رکعت نماز خواندن افضل است.

یعنی یک هزار رکعت نماز در یک طرف، و تسبیح حضرت زهرا (سلام الله علیها) بعد از هر نماز، در طرف دیگر، امام صادق (سلام الله علیه) می فرماید تسبیح حضرت زهرا افضل است.

«مسلم» نقل کرده است که پیغمبر فرمود:

«من سَبَّحَ اللَّهَ فِي دُبُرِ كُلِّ صَلَاةٍ ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ وَحَمِدَ اللَّهَ ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ وَكَبَّرَ اللَّهَ ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ فَتِلْكَ تِسْعَةٌ وَتِسْعُونَ وَقَالَ تَمَامَ الْمِائَةِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَخَدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ غُفِرَتْ خَطَايَاهُ وَإِنْ كَانَتْ مِثْلَ زَبَدِ الْبَحْرِ»

صحیح مسلم، اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري، دار النشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي؛ ج 1، ص 418، باب إستحباب الذِّكْرِ بَعْدَ الصَّلَاةِ وَبَيَانِ صِفَتِهِ، ح 597

این روایت برای «صحیح مسلم» است و منابع شیعه هم نیست! البته آنها هم نقل کرده اند و ما هم نقل کردیم. حالا علت این قضیه گفتن تسبیح 34 بار «الله اکبر»، 33 بار «الحمد لله»، و 33 بار «سبحان الله» چه رمز و رموزی است بماند. این هدیه‌ای است که رسول اکرم به حضرت زهرا (سلام الله علیها) داد.

امام صادق (سلام الله علیه) فرمود: اگر چنانچه هدیه‌ای بهتر از این تسبیح بود پیغمبر به حضرت زهرا هدیه می‌داد.

در هر صورت...

روایتی دیگر را «سنن ترمذی» نقل می‌کند در جلد 5 صفحه 470 که نبی مکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود:

«من قال حين يأوي إلى فراشه أستغفر الله العظيم الذي لا إله إلا هو الحي القيوم وأتوب إليه ثلاث مراتٍ غفر الله ذنوبه وإن كانت مِثْلَ زَبَدِ الْبَحْرِ وَإِنْ كَانَتْ عَدَدَ وَرَقِ الشَّجَرِ وَإِنْ كَانَتْ عَدَدَ رَمْلِ عَالِجٍ وَإِنْ كَانَتْ عَدَدَ أَيَّامِ الدُّنْيَا»

هر کسی موقعی که می خواهد بخوابد، سه مرتبه بگوید: «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الْعَظِيمَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومَ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ»؛ خدای عالم تمام گناهان او را می بخشد ولو به اندازه کف دریاها و اندازه تعداد برگ های درختان و به اندازه ریگ های بیابان باشد و به اندازه عدد ایام دنیا باشد خدا گناه او را می بخشد.

الجامع الصحيح سنن الترمذي، اسم المؤلف: محمد بن عيسى أبو عيسى الترمذي السلمي، دار النشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، تحقيق: أحمد محمد شاكر وآخرون؛ ج 5، ص 470، باب ما جاء في الدعاء إذا أوى إلى فراشه، ح 3397

ما از این طور روایات إلى ما شاء الله داریم. مثلاً «حاکم نیشابوری» در «المستدرک» جلد اول صفحه 692 نقل می کند که پیغمبر فرمود:

«من قال أستغفر الله العظيم الذي لا إله إلا هو الحي القيوم وأتوب إليه ثلاثا غفرت له ذنوبه وإن كان فارا من الزحف»

اگر کسی سه مرتبه «استغفر الله الذي لا اله الا هو الحي القيوم واتوب اليه» بگوید، خدای عالم تمام گناهان او را می بخشد ولو گناه او فرار از جبهه جنگ باشد.

المستدرک على الصحيحين، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاكم النيسابوري، دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت - 1411 هـ - 1990 م، الطبعة: الأولى، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطاء، ج 1، ص 692، ح 1884

خدای عالم برای فرار از جبهه جنگ، وعده جهنم و آتش جهنم داده است. ولی اینجا می گوید اگر کسی این ذکر را سه مرتبه بگوید، خداوند تمام گناهانش را می بخشد حتی اگر فرار از جنگ باشد.

خب اینها چطور هیچ اشکالی ندارد ولی وقتی به امام حسین می رسد اینها اشکال می کنند و می گویند چنین و چنان است!! من واقعاً تعجب می کنم.

هدیه ای ارزشمند از طرف رسول اکرم به حضرت زهرا (سلام الله علیها)

البته من در رابطه با تسبیح حضرت زهرا (سلام الله علیها) دو سه تا نکته‌ای را بگویم بعد ان شاء الله از مداح‌های عزیزمان استفاده می‌کنیم.

آقا امام صادق (سلام الله علیه) به «ابو هارون مکفوف» فرمود:

«يَا أَبَا هَارُونَ إِنَّا نَأْمُرُ صَبِيَانَنَا بِتَسْبِيحِ فَاطِمَةَ عَ كَمَا نَأْمُرُهُمْ بِالصَّلَاةِ»

ما به بچه‌هایمان دستور می‌دهیم بعد از هر نماز تسبیح حضرت زهرا را بگویند همانطوری که دستور می‌دهیم نماز بخوانند.

«فَالزَّمَهُ فَإِنَّهُ لَمْ يَلْزَمَهُ عَبْدٌ فَشَقِي»

امکان ندارد کسی مواظبت کند و بعد از هر نماز، تسبیح حضرت زهرا را بگوید شقاوت به سراغ او بیاید.

الكافي (ط- الإسلامية)، كليني، محمد بن يعقوب بن اسحاق، محقق / مصحح: غفاري علي اكبر و آخوندي،

محمد؛ ناشر: دار الكتب الإسلامية، تهران - 1407؛ ج 3، ص 343، ح 13

در روایتی دیگر حضرت امام صادق (سلام الله علیه) می‌فرماید:

«تَسْبِيحُ فَاطِمَةَ عَ فِي كُلِّ يَوْمٍ فِي ذُبْرِ كُلِّ صَلَاةٍ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ صَلَاةٍ أَلْفِ رُكْعَةٍ فِي كُلِّ يَوْمٍ.»

تسبیح حضرت زهرا برای من از یک هزار رکعت نماز افضل و محبوب‌تر است.

الكافي (ط- الإسلامية)، كليني، محمد بن يعقوب بن اسحاق، محقق / مصحح: غفاري علي اكبر و آخوندي،

محمد؛ ناشر: دار الكتب الإسلامية، تهران - 1407؛ ج 3، ص 343، ح 15

ادامه عرائضمان را **إِنْ شَاءَ اللَّهُ** فردا شب تقدیم خواهیم کرد که اساساً آیا تمام گناهان با گریه بر امام حسین بخشیده می‌شود؟ یا نه، «حقوق الناس» حساب و کتاب جدایی دارد؟ برای «حق الناس» یک حساب و کتاب دیگری باید باز کرد؟! **إِنْ شَاءَ اللَّهُ** من مفصل در جلسه بعد در خدمت بینندگان عزیزمان خواهیم بود.

خدایا به آبروی حسین، به آبروی دختر سه ساله حسین، فرج مولای ما بقیة الله الاعظم را نزدیک نما و ما را از یاران خاص او قرار بده، چشمان ما را به جمال نورانی‌اش منور بگردان و از ملازمین و شهدای رکابش قرار بده، حوائج مان برآورده نما، دعاهایمان به اجابت برسان.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

ویژه برنامه قتیل العبرات با کارشناسی استاد روستایی

مجری:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجَّلَ فَرْجَهُمُ اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَخْيَايَ مَخْيَا مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ مَمَاتِي مَمَاتَ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ»

باز بسم الله الرحمن الرحيم عاشقی هم عاشق‌های قدیم

از محضر جناب استاد حضرت آية الله قزوینی استفاده کردیم از محضر سید بزرگوار آقای جدّا بهره بردیم و روزه حضرت رقیه را شنیدیم اینجا یک هیئت است شبکه جهانی ولیعصر یک تکیه است که در آن قرار است تکیه کنیم به بزرگترین محکم‌ترین ستون‌های که خداوند در این عالم آفریده و اهل بیت (علیهم السلام) را روشن بخش مباحث و محافل این شب‌ها هستند مثل همه شب‌های سال خدا را شکر می‌کنیم در این حسینیه کوچک و بی‌ریا توفیق شناخت بهتر و بیشتر اهل بیت را داریم در دانشگاه مجازی شبکه جهانی ولیعصر خدا به ما توفیق آموختن را داده

گذشته‌گان ما خیلی به سختی می‌توانستند یک مطلب را یاد بگیرند اما امروز اگر کسی جوینده باشد خیلی راحت می‌تواند به درجه یابندگی و یابنده بودن برسد. روی اشک تان مستدام روزی روضه‌تان دائم و روزی معرفت‌تان و کسب معرفت‌تان در راه اهل‌بیت بی‌نهایت باشد **إن شاء الله**.

این برنامه را مثل برنامه‌های دیگر تقدیم می‌کنیم به نگاه مهربان و قلب شکسته و جریحه‌دار حضرت حجت بن الحسن العسکری(عج) امشب هم مثل شب‌های دیگر در خدمت یک استاد گرانقدر هستیم امشب عرض سلام و ادب و احترام و تسلیت و تعزیت دارم خدمت جناب استاد روستایی.

استاد روستایی:

علیکم السلام و رحمة الله بنده هم خدمت شما و بینندگان عزیز شبکه جهانی حضرت ولی عصر(ارواحنا له الفداء) عرض سلام و ادب و احترام دارم و ایام محرم الحرام و عزای اهل‌بیت(علیهم السلام) را خدمت بینندگان عزیز مان تسلیت و تعزیت دارم در خدمت شما هستیم.

مجری:

خدا شم را حفظ بکند جناب استاد اگر صلاح بدانید امشب راجع به این مبحث صحبت کنیم یک انواری هستند در عالم که خب خیلی‌ها چشم دیدنش را ندارند و آن هم انوار اهل‌بیت(علیهم السلام) است یک نوری است جاویدانه که خدای یک فروغ جاویدان برایش در نظر گرفته اما برخی انسان‌های زمینی خیلی تلاش کردند که این نور پر فروغ بزرگ، عظیم و ماندگار را خاموش بکنند یکی از جلوه‌های این داستانی که خدمت‌تان عرض می‌کنم اگر در طول تاریخ رسد بکنیم بگردیم بعد از واقعه عاشورا خیلی‌ها خیلی از فرق خیلی از جریان‌های فکری واقعاً منحرف سعی کردند در ظاهر آثار عاشورا را از بین ببرند اقدام به تخریب قبر مطهر کردند در باطن از بین ببرند آمدند خدشه وارد کردند به عزاداری‌ها و سوگواری‌ها و گرمی داشتی که شیعیان برای ماه محرم دارند و

عزاداری‌های که نسل در نسل به ارث برده‌اند، می‌خواهیم امشب حضرت عالی بروید سراغ دفتر تاریخ و روق
بزنیم کارهای که کردند عاشورا ستیزی‌های که در طول تاریخ اتفاق افتاده تا امروز.

استاد روستایی:

خواهش می‌کنم

«بسم الله الرحمن الرحيم»

همانطوری که فرمودید نور پر فروغ حضرت آقا ابا عبدالله الحسین(علیه الصلاة و السلام) در تمامی اعصار به
هدایتگری مشغول بودند و فرعون‌های هر زمان تاب دیدن این نور را نداشتند لذا به آنها مختلف سعی کردند
که مقابله بکنند ما امشب بخشی از تاریخ را در باره عزای امام حسین(ع) گزینش کردیم که مورد بحث و بررسی
قرار بدهیم و آن بحث، بحث عاشورا است یعنی در واقع می‌خواهیم امشب به گونه‌های عاشورا ستیزی در طول
تاریخ بگردازیم وگرنه اگر بخواهیم به ابعاد مختلف این مسئله بپردازیم مثل منع زیارت مثل کشتن زوار و مواردی
از این دست خب خیلی بیش از اینها باید بحث و گفتگو بکنیم.

مجری:

بر جهان حاکم جبار فراوان دیدیم

که بعید است به پای متوکل برسد

استاد روستایی:

لعنت الله عليه، بنا بر این محور بحث ما امشب بحث عاشورا ستیزی است در مواجهه با عاشورا بنا بر آن پژوهشی که بنده داشتم حدود هفت گونه من استقصاء کرده‌ام که با محوریت عاشورا مقابله با حادثه عاشورا این برخوردها بوده .

اولین محور، محور جشن گرفتن در عاشورا است جشن گرفتن در عاشورا و این که روز عاشورا را روز عید در واقع قلمداد کرده‌اند ما طبیعتاً باید ببینیم ابتدا این در چه دوره‌ای بوده این که عاشورا را عید می‌دانستند در چه برهه‌ای از زمان این مسئله اتفاق افتاده؟ من اولین در واقع مصدری که دیدم در باره عید بودن عاشورا صحبت کرده کتاب ابن سیرین است ابن سیرین کتابی دارد به نام منتخب الکلام فی تفسیر الاحلام

مجری:

همان ابن سیرین معبر

استاد روستایی:

بله بله این کتابش هم همان تعبیر خوابش است به این عنوان منتخب الکلام فی تفسیر الاحلام خب ابن سیرین متوفی سال 110 هجری است یعنی در عصر اموی ایشان زندگی می‌کرده و از دنیا رفته و طبق بعضی از مصادر تاریخ که ما داریم این معلم بچه‌های اموی‌ها بود ابن سیرین ایشان در کتابش، من حالا بنا بر جستجوی که من کردم اولین مصدر قدیمی که از عاشورا با عید یاد می‌کند کتاب ایشان است می‌آید یک فصلی را مطرح می‌کند فصل فی رؤیا الأیاد فصل در باره خواب عیدها اگر کسی خواب عید ببیند بعد یکی یکی می‌آید شروع می‌کند گفتن که مثلاً هر کدام از اعیاد را کسی خواب ببیند مثلاً چه چیزی دارد بعد می‌رسد به اینجا.

«و من رأی عید عاشوراء فحصول زادٍ»

می‌گوید هر کس در خوابش عید عاشورا را ببیند این زاد و توشه به او می‌رسد خلاصه برکت به زندگیش راه پیدا می‌کند

ابن سیرین، منتخب الکلام فی تفسیر الاحلام، متوفی 110 هجری، فصل فی رؤیا الأیاد

خب ببینید یعنی در آن عصر ابن سیرین این واژه عید عاشورا

مجری:

تقریباً عصر آقا امام صادق(ع) و امام باقر(ع) می‌شود درست است؟

استاد روستایی:

عصر امام باقر(ع) می‌شود امام باقر(ع) سال 114 به شهادت رسیدند ایشان 110 از دنیا رفته و در آن عصر ما صحابه مثل مثلاً جابر بن عبدالله الانصاری، مثل عامر بن طفیل داریم که که هردوی شان از شیعیان بزرگ امیرالمؤمنین هستند این دوتا صحابی پیامبر و خب عصر امام باقر(ع) هم هست خب یک عصر خیلی وهشتناکی بود که ما روایت از امام باقر(علیه الصلاة و السلام) داریم که در همان دوره حضرت می‌فرمایند اگر به کسی می‌گفتند کافر و زندیق برایش بهتر بود تا به او بگویند شیعه خانه‌های شیعیان را تخریب می‌کردند، آتش می‌زدند اموال شان را و خیلی ظلم‌ها علیه شیعه صورت می‌گرفت، خب ببینید خود آقای ابن سیرین هم از این دارد تعبیر می‌کند و بعد هم می‌گوید هر کسی این خواب را ببیند این یعنی چه؟ یعنی این که در عرف آن جامعه این یک مسئله کاملاً جا افتاده است که در تعبیر خواب هم آمده کسی که اگر خواب این عیده را ببیند چه مثلاً تعبیر آن است یعنی آن زمان عاشورا را عید می‌دانستند. این یک نمونه.

اما نمونه‌هایی دیگر که در مورد عاشورا وجود دارد ما بعضی از علما را داریم که یک سری بالاخره احادیث حالا در ادامه بحث هم خواهیم گفت که جعل شده در باره عاشورا که هیچ کدام هم ریشه و اساس ندارد حالا ادامه بحث خواهیم کرد اما یک سری از علما را داریم می‌گویند نه آقا اتفاقاً خیلی مجرب است که این روز یک روزی باشد

که هم به خودت بررسی هم به خانواده‌ات بررسی به لحاظ سرا و لباس و به لحاظ نمی‌دانم خلاصه وضع زندگی و غذا و بهترین غذاها و اینها و خیلی هم مجرب است، من لیست اینها را می‌خواهم خدمت‌تان عرض بکنم.

کتاب است به نام الفروع این کتاب الفروع را شمس الدین محمد بن مفلح مقدسی نوشته از شاگردان ابن تیمیه است قرن هشتمی هست جلد پنجم کتاب، اینجا یک بحثی را مطرح می‌کند در صفحه 92

شمس الدین محمد بن مفلح، قرن 8، الفروع، جلد5، صفحه92

می‌گوید:

«سأل ابن منصور أحمد»

می‌گوید ابن منصور از احمد حنبل پرسید

«هل سمعت في الحديث أن من وسَّع على عياله يومَ عاشوراء وسَّع اللهُ عليه سائر السنة»

آیا این حدیث را شنیدی که هر کسی که برای اهل و عیال خودش توسعه بده خرج بکند در روز عاشورا خدا کل سال را خلاصه برکت به او می‌دهد؟

احمد گفت که

«نَعَمْ»

بله بله

«رَوَاهُ سُفْيَانُ بْنُ عُيَيْنَةَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ أَحْمَرَ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ مُنْتَشِرٍ»

این آقای ابراهیم بن محمد بن منتشر هم افضل اهل زمانش بوده و ایشان گفته که یک چنین حدیثی به من

رسیده است که

«مَنْ وَسَّعَ عَلَى عِيَالِهِ يَوْمَ عَاشُورَا وَسَّعَ اللَّهُ عَلَيْهِ سَائِرَ سُنَّتِهِ»

بله این حدیث، حالا ببینید احمد حنبل خب مشاور خاص متوکل عباسی هست و اصلاً ما در تاریخ داریم که متوکل هم

«و إِمَّا يَنَادِمُهُ وَ يَجَالِسُهُ الذِّينَ قَدْ إِشْتَهَرُوا بِالنَّصَبِ»

اصلاً همنشین متوکل جز آدم ناصبی نبود احمد هم به نص صریح تاریخ چهار سال مشاور اعظم متوکل بود به گونه‌ای که اصلاً متوکل بدون اجازه احمد حنبل آب نمی‌خورد داریم که احدی را عزل و نصب نمی‌کرد جز با اجازه احمد حنبل خب احمد می‌گوید بله چنین حدیثی داریم آقای سفیان بن عیینه که احمد گفت این را سفیان بن عیینه روایت کرده است این آقای سفیان بن عیینه هم عصر ابو حنیفه هست هم عصر امام صادق و امام باقر هست پای درس حضرت صادق(ع) هم می‌نشیند البته مخالف امام صادق هست، ببینید ایشان چه می‌گوید:

«قَدْ جَرَّبْنَاهُ مِنْذُ خَمْسِينَ أَوْ سِتِّينَ سَنَةً»

می‌گوید این ماجرا را (یعنی خرج کردن برای خانواده را در روز عاشورا) قریب پنجا یا شصت سال ما تجربه کردیم.

«فَمَا رَأَيْنَا إِلَّا خَيْرًا»

خیر دیدیم

ببینید یعنی پنجاه، شصت سال این آقا گرامی داشت برای عاشورا داشته، آقای سفیان بن عیینه؛ بعد در صفحه عرض کنم خدمت شما بعدش، **صفحه 93**، می‌گوید

«قال جابر»:

جابر گفته

«جَرَّبْنَاهُ فَوَجَدْنَاهُ كَذَلِكِ»

ما هم تجربه کردیم همین است که سفیان بن عیینه می گوید

«و قال ابو الزبير مثله، و قال شعبة مثله»

شعبة هم همینطور

ببینید اینها همه عالمان غیر شیعی هستند، خب، همه مثل سفیان بن عیینه، یعنی اینها گرامی داشت می گرفتند برای عاشورا، برای زن و بچه شان خرج می کردند می گفتند برکت دارد.

«و قال يحيى بن سعيد»

یحی بن سعید قطان که مخالف امام صادق بود و خیلی هم در مقابل شیعه در واقع مکاتب مقابل شیعه خیلی این اشخاص را تحویل می گیرند، ایشان می گوید:

«جَرَّبْنَا ذَلِكَ فَوَجَدْنَاهُ حَقًّا»

ما هم تجربه کردیم

ببینید اینها یک افرادی هستند جناب آقای علوی عزیز که برای عاشورا بزرگداشت می گرفتند ابن سیرین و این آدم هایی که خدمت شما نام بردم با اینکه همه آنها محدث هستند، همه آنها رجالی هستند، ببینید این شعبة بن حجاج که من اسمش را بردم در مذاهب مقابل شیعه صاحب مذاهب اسلامی، پدر علم رجال هست، اصلاً پدر علم رجال هست، این آدم خودش می گوید:

«ما فَتَّشَ أَحَدٌ الْأَحَادِيثَ كَتَفْتِيشِي هَذَا»

هیچ کس مثل من احادیث را زیر و رو نکرده است.

و این خودش هم می‌داند تمام اینها جعل هست، تمام اینها ضعیف هست، اما چه کار می‌کند اما برای عاشورا بزرگداشت می‌گیرد برای، ببینید یک زمانی شما می‌گویید آقا اصلاً بیا در مقابل حاکم اموی این حرف را بزن خب آقا طرف از جانش می‌ترسد از مالش از آبرویش می‌ترسد اما این صحبت اینها نیست در خانه شان، در خانه شان بزرگداشت می‌گیرند یعنی اگر مثلاً این کار را هم نمی‌کرد اگر روز عاشورا مثلاً بهترین غذا را هم نمی‌پخت حاکم اموی نمی‌آمد یقه او را بگیرد که چرا نپختی، چرا نپوشیدی بهترین را یعنی یک بحث عقیده.

مجری:

در ذات خودشان یک دشمنی با اهل بیت داشتند.

استاد روستایی:

دقیقاً، این آن دشمنی ذاتی هست، خب این تا به اینجا؛ بعد عرض کنم محضر مبارکتان حالا آیا اینها ریشه حدیثی دارد واقعاً یا خیر؟ آیا اصلاً با سنت پیامبر این عمل سازگاری دارد یا ندارد؟ ما برویم سنت پیامبر را ببینیم در این زمینه؛ ببینید کتابی که در روی صفحه من هست اسمش معلوم هست، صحیح ابن حبان یعنی احادیث صحیحش را آمده جمع کرده، جلد 8 کتاب، ملاحظه بفرمایید صفحه 391 می‌گوید:

«كَانَتْ يَهُودُ تَتَّخِذُ يَوْمَ عَاشُورَاءَ عِيدًا»

یهودی‌ها عید می‌گیرفتند

«فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ خَالِفُوهُمْ»

رسول الله گفت شما چکار کنید؟ با اینها مخالفت کنید یعنی شما عید نگیرید عاشورا را. خب آیا این فهم بنده هست؟ خیر شما ببینید آقا بن تیمیه ارانی، پدر معنوی وهابیت کسی که خیلی برای او اهمیت قائل هستند

ایشان در جلد 25 مجموع الفتاویش، پدر معنوی وهابیت کسی که خیلی برایش اهمت قائل هستند، ایشان در جلد 25 مجموع ال فتاوايش چه می‌گوید؟ صفحه 311 می‌گوید:

پیامبر آخرهای عمرشان بود به آنها خبر دادند که یهود عید می‌گیرند روز عاشورا را، حضرت فرمودند که اگر من زنده باشم سال آینده روز نهم را روزه می‌گیرم اینها هم عید می‌گرفتند، هم روزه می‌گرفتند یهودی‌ها، من روز نهم را روزه می‌گیرم و با یهودی‌ها مخالفت می‌کنم خب،

«لیخالف یهود»

بخاطر اینکه با یهود مخالفت بشود

«و لا یشابههم فی إتخاذہ عیدا»

و شباهت به آنها نشود، تشبه به آنها نشود در عید گرفتن

یعنی تحلیل آقای ابن تیمیه هست می‌گوید آقا اصلاً پیامبر می‌گفت مخالفت باید بکنید، نباید عید بگیرید. خب حالا ما حرف‌مان جناب آقای علوی عزیز این هست خب این آقایان مگر محدث نیستند؟ مگر اینها علم به این احادیث پیامبر ندارند؟ خب چرا می‌آیند عید می‌گیرند؟ چرا این روز را گرامی می‌دارند؟ همان بحث دشمنی ذاتی هست که شما اشاره فرمودید؛ ما در امروز هم این مسئله را داریم، در امروز هم این مسئله را داریم و بعضی جاها این مسئله عید را می‌گیرند من قبل از اینکه بگویم در طول تاریخ چه کسانی عید می‌گرفتند حالا این افراد را نام بردم در بین پیروان خلاصه صائر نحلها و اینها چه کسانی عید می‌گرفتند قبل از اینکه این را من خدمت بینندگان عزیز مان عرض بکنم خواهش می‌کنم از اتاق فرمان کلیپ شماره یک را نمایش بدهند.

مجری:

بله استفاده می‌کنیم؛ جناب استاد ان شاء الله کلیپ را ببینیم و بر گردیم در خدمت شما هستیم با ادامه بحث،
دوستان کلیپ آماده هست؟ دوستان اتاق فرمان، بله بله می‌بینیم.

کلیپ شماره 1:

جشن گرفتن سلفیان کویت در روز عاشورا

مجری:

شرمنده آقا امام زمان هستیم از اینکه مجبوریم بعضی وقت‌ها چنین چیزهایی را پخش بکنیم، بفرمایید استاد.

استاد روستایی:

ببینید آقای علوی جهالت تمامی ندارد و در واقع نه تنها جهالت بلکه حقد و کینه نسبت به این آقایان من
می‌نشینم بررسی می‌کنم مثلاً این کلام آقا امیرالمؤمنین صلوات الله و سلامه علیه، کلام اهل بیت برخورد و روش
و منش اینها هیچ چیزی آدم نمی‌بیند که نستجیر بالله بگوید اینها مثلاً می‌شود با اینها این برخورد را کرد یعنی
این مقابله را کرد و اینها چیزی جز درواقع دشمنی و عناد و کینه و در یک جمله حرام زادگی نیست، که می‌آیند
اینطور با اهل بیت برخورد می‌کنند؛ و گر نه شما یک نقطه سیاه، یک نقطه سیاه در زندگی اهل بیت در طول
تاریخ نمی‌بینید، یک عبارتی احمد حنبل دارد می‌گوید

«كَانَ عَلِيٌّ كَثِيرَ أَعْدَاءٍ»

علی دشمن زیاد داشت

«فَفَتَّشَ لَهُ أَعْدَاةَهُ عَيْبًا فَلَمْ يَجِدُوا»

گشتند تفتیش کردند کل تاریخ را ورق زدند، زیر و رو کردند یک عیب پیدا کنند قَلَمَ يَجِدُوا پیدا نکردند.

مجری:

آقای روستایی من می‌خواهم از شما یک اجازه‌ای بگیرم دیشب هم همین اتفاق افتاد یک جاهایی که قلب خیلی درد می‌آید امشب هم، آن چیزی که از گذشتگان مان آموختیم یک روزه سنگینی دارد شب سوم، یک جاهایی که قلب به درد می‌آید باید مدح امیرالمؤمنین را بخوانم اگر اجازه بفرمایید چند بیت به نیت شفا، به نیت عبادت، به نیت آرامش قلب آقا امام زمان (عج) مدح جد بزرگوارشان را بخوانم بعد در خدمت شما هستیم .

استاد روستایی:

خواهش می‌کنم.

مجری:

یا علی مدد

با لطف بیکران خداوند ذولجلال

فصل بهار می‌شود آغاز اعتدال

خورشید پلک می‌زند و

در سپیده دم خمازه می‌کشند درختان نونهال

هنگام خال کوبی سبز جوانه‌هاست

در چشم بلبلان به دنبال خط وخال

شاعر کنار دشت تماشا هنوز هم

سرمست از جناس غزل‌هاست با غزال

سرمست از سخاوت شرقی‌ترین طلوع

سرگرم با نسیم جنوبی‌ترین شمال

با باده‌ای طهور تر از هرچه سرسبیل

با جلوه‌ای عظیم تر از هرچه در خیال

می‌خانه باز می‌شود و در سپیده دم

نوبت رسیده است به مستان اهل حال

بر ساق عرش ساقی کوثر نشسته است

در ساحتی بری شده از هرچه قیل و قال

انگورهای روی ظریحش بدون شک

هستند باشراب بهشتی در اتصال

اینجا کجاست مهد کرامات لایزول

اینجا کجاست جلوه الطاف لا یزال

نا ممکن است قدر علی را شناختن

انسان کجا و فیض رسیدن به این محال

درد علی بزرگترین درد عامل است

درد دلی که هیچ نگنجد در این مقال

مضمون چشم‌های علی ناسروندی است

کاری نکرده‌اند ادیبان در این قبال

یک عده تاب عدل علی را نداشتند

از طلحه و زبیر فقط می‌زنم مثال

چیزی نمانده است از آن روسیاه‌ها

خاکستر است حاصل تاب و تب زغال

میثم خوش است با غم او در فراز دار

میثم خوش است با غم او در سیاه‌چال

در کوره محبت مولا گداخته است

فولاد آبدیده کجا و کجاست سفال

زهرها نداشت غیر علی پشتوانه‌ای

مولا نداشت غیر خداوند ذوالجلال

تنها به جرم اینکه علی دوست بوده است

کردند حق فاطمه را نیز پایمال

چندین غروب تلخ و پریشان گذشته است

از آخرین اذان که شنید از لب بلال
حیدر چه‌ها که دید از آن مردمان کور
حیدر چه‌ها شنید از آن گنگ‌های لال
از لحم سوسمار و شراب نجس پر است
آن سفره‌های چرمی بی بهره از حلال
بت‌های مست و اروده کش لات‌های پست
بودند با ولی خداوند در جدال
ایمان رسیده بود به صد پله زیر صفر
کار یقین رسید به تشکیک و احتمال
ای کاش جایگاه الوالمر را فقط
از سوره نساء بخوانند این رجال
دل را تهی ز خون دل چند ساله کرد
بوی بهشت می‌دهد این مسرع وصال
هفتاد و دو ستاره در آن دشت ماه خیز
تبدیل می‌شدند به هفتاد و دو هلال
باید رجوع کرد به اصل مباحله

باید رجوع کرد به تفسیر لا ینال

پس عین و لام و یاء علی این سه حرف عشق

بی شک یکی است با الف و حاء و میم و دال

با نور پنج تن دو جهان روشنی گرفت

آن جلوه‌های نور که دور اند از زوال

شیخ مفید هرچه نوشته است در کتاب

شیخ صدوق هرچه که آورده در خصال

در یک کلام جوهره این حقیقت است

ارکان عرش بسته به این سلسله جبال

روزی که دست می‌کشم از دام زندگی

روزی که می‌پریم به هوایش شکسته بال

سلمان چه می‌شود که بگوید به من بیا

مولا چه می‌شود که بگوید به من تعال

سرمایه‌ام محبت اولاد فاطمه است

سرمایه‌ام محبت اولاد فاطمه است

بیچاره‌ام بدون ولای علی و آل

یک میان برنامه برای یکی از اولاد علی آماده کرده‌اند برویم ببینیم.

دلی که خانه مولا شود حرم گردد

که از احترام علی کعبه محترم گردد

حسین در عطش جرئه‌ای محبت سوخت

چرا فرات به این ننگ متهم گردد

عزای ماست، عزای ماست که هر سال می‌شود تکرار

وگر نه حیف محرم که صرف غم گردد

جناب استاد در خدمت شما هستیم .

استاد روستایی:

خواهش می‌کنم، خب بحث‌مان تا به اینجا بود که گفتیم، اولین گونه مقابله با جریان عاشورا جشن گرفتن در عاشورا است که عرض کردیم بعضی از افراد را نام بردیم که اینها جشن می‌گرفتند و بزرگداشت می‌گرفتند و خب کلیپی هم بینندگان عزیزمان دیدند البته در کشورهای دیگر هم ما داریم کیلپ را ما از کویت پخش کردیم اما غیر از کویت در بعضی از کشورهای دیگر هم هست که در روز عاشورا یک جشن‌های مفصلی می‌گیرند که واقعاً سنگین است دیدن اینها آدم طاقت نمی‌آورد اذیت می‌شود آدم ؛ اما بزرگان اینها چه در خارج و بعضی از دنباله رو های پست اینها بعضاً در گوشه کناری در داخل هستند که این روز را بزرگداشت می‌گیرند، بعنوان نمونه شما این تصویر را اگر دوستان اطاق فرمان هم نمایش بدهند؛ عبد العزیز آل الشیخ مفتی اعظم وهابی، ببینید تاریخ روزنامه یازده محرم 1434 هست ، روزنامه خبر ار که دیروز می‌گویند فردایش چاپ می‌کند دیگر یعنی این ماجرا برای ده محرم هست یازده محرم در روزنامه چاپ شده که می‌گوید:

«احتفل عمر بن عبد العزيز آل الشيخ بزواجه من كريمة عبد المحسن بن محمد آل الشيخ»

پسر عبد العزيز آل شيخ يعنى اين آقايى كه ايستاده روز عاشورا با دختر يكي ديگر از خاندان محمد بن عبد الوهاب ازدواج مي‌كند، جشن عروسي در روز عاشورا؛ يا حتى مواردى دارى مثلاً بعضى از افراد بودند كه در ايام اربعين آمده‌اند جشن عروسي براى پسرشان گرفته‌اند، جشن عقد و نامزدى و اينها براى پسرشان، اينها چه چيزى را مي‌خواهند ثابت كنند

چراغى را ايزد بر فروزد هر آنكس پوف كند نه تنها ريش‌اش بلکه ريشه‌اش بسورد

مجري:

مثل اين مي‌ماند كه مگسى بخواهد جلوى نور آفتاب را بگيرد

استاد روستايى:

بله اينها همه هدف شان اين است، ببينيد بزرگترهاى اينها يزيد و معاويه و نمى‌دانم به قول معروف حجاج بن يوسف سقفى‌ها و منصور دوانيقى‌ها نتوانستند جلوى نور اهلبيت را بگيرند متوكل خبيث نتوانست جلوى نور ابا عبدالله (ع) و ساير اهلبيت را بگيرد با اين كه تخریب کرد مرقد مطهر آقا ابا عبدالله را طبق بعضى نقل‌هاى تاريخى 17 بار تخریب کرده و يا امام زادگان را تعطيل کرد زيارت شان را حرم اميرالمؤمنين را زيارتش را تعطيل کرد اما نتوانست حالا اينها آمده‌اند و به قول معروف مي‌خواهند مثلاً راه آنها را ادامه بدهند آنها كه به درك اسفل رفتند اينها هم به دنبال آنها.

اما جناب آقاي علوى ما مي‌خواهيم ببينيم كه چه كسانى اين عاشورا را عيد مي‌گرفتند؟ چه كسانى عيد مي‌گرفتند؟ قبل از اين آقايانى كه بالاخره حالا ادعا دارند، ما پنج مورد را داريم در طول تاريخ حالا بنا بر جستجويى كه بنده داشتم.

یکی اهل جاهلیت یعنی زمانی که اصلاً اسلامی نبوده و اهل کتاب یهود و نصارا ملاحظه بفرماید در کتاب فتح الباری شرح صحیح بخاری، فتح الباری ابن رجب البته جلد سوم در صفحه 339

فتح الباری شرح صحیح البخاری، جلد 3، صفحه 339

می‌گوید:

«وقد رَوَى أَنَّ ذَلِكَ الْعِيدَ كَانَ يَوْمَ عَاشُورَاءَ فَإِنَّهُ كَانَ عِيداً لِأَهْلِ الْجَاهِلِيَّةِ وَ لِأَهْلِ الْكِتَابِ»

عاشورا عید اهل جاهلیت و اهل کتاب بوده

این در دسته اول.

اما دسته دوم که عاشورا را عید می‌گرفتند، میخواهیم ببینیم این آقایانی که عید میگیرند عاشورا را جشن عروسی می‌گیرند و خلاصه توسعه بر عیال اینها تابع چه کسی هستند؟ اینها ببینیم، دسته دومی که عاشورا را عید می‌گرفتند تصریح شده در منابع دسته اول اهل سند که اینها یهودی‌ها بودند ببینید کتاب صحیح بخاری در صفحه 480 چاپ‌های تک جلدی روایت از ابو موسی اشعری است.

صحیح البخاری، تک جلدی، صفحه 480

می‌گوید:

«كَانَ يَوْمَ عَاشُورَاءَ تَعْدُهُ الْيَهُودُ عِيداً»

عاشورا را یهود عید می‌گرفت

در کتاب صحیح مسلم جلد اول صفحه 504 اینجا می‌گوید:

«كَانَ يَوْمَ عَاشُورَاءَ يَوْمًا تُعَظَّمُهُ الْيَهُودُ وَ تَتَّخِذُهُ عِيداً»

در روایت پاینی آن می‌آید می‌گوید:

«كَانَ أَهْلُ خَيْبَرَ»

یهودی‌هایی خیبَر که اتفاقاً می‌شود اجداد آل سعود فعلی در واقع بنابر این کتاب‌های جغرافیایی می‌گویند اجداد آل سعود فعلی یهودیان خیبَر هستند.

«كَانَ أَهْلُ خَيْبَرَ يَصُومُونَ يَوْمَ عَاشُورَاءَ»

روز عاشورا روزه می‌گرفتند

«يَتَّخِذُونَهُ عِيدًا»

عید می‌گرفتند

«وَ يُلْبِسُونَ نِسَاءَهُمْ فِيهِ حُلِيَّهُمْ وَ شَارَتَهُمْ»

می‌گویند: زینت‌های زنان شان را لباس‌های زیبای زنان شان را خلاصه آرایش و چیزهای که بوده در روز عاشورا اینها انجام می‌دادند

پس دسته دوم هم جناب آقای علوی شد یهود.

دسته سوم که در عاشورا شادی می‌کردند خوارج بودند خوارج، کتاب مرقات المفاتیح، جلد سوم ملاحظه بفرماید در صفحه 491 اینجا هم یک بحثی می‌کند راجع به روزهایی که عید می‌گرفتند مردم مثل نوروز و یا روزم ورود ایام به کعبه و اینها بعد می‌گویند:

«أَنَّ يَوْمَ عَاشُورَاءَ فِيهِ تَشَبُّهُ بِالْخَوَارِجِ بِإِظْهَارِ السُّرُورِ»

می‌گویند در روز عاشورا یک عده عید می‌گرفتند این کار شان شبیه به خوارج بود چون خوارج هم در روز عاشورا اظهار سرور و شادی می‌کردند

مرقات المفتوح، جلد سوم، صفحه 491

این دسته سوم.

دسته چهارم کفار، ببینید کتاب فیض القدير مناوی جلد چهارم، صفحه 299 می‌آید یک بحثی را مطرح می‌کند که بله چرا عاشورا را عاشورا نام نهادند می‌گویند:

که ده‌تا کرامت خدا به انبیاء خودش به ده‌تا از انبیاء خودش داد و این روز روایت شده که روز زینت است روزی است که موسی در واقع با فرعون روبرو شد و فرعون را شکست داد

«وَ أَنَّهُ كَانَ عِيدًا لَهُمْ»

عید آنها بود

بعد می‌گویند ابن رجب گفته:

این جمله این روایت دلالت بر این می‌کند که ما نباید عید بگیریم روز عاشورا را و نباید روزه بگیریم روز عاشورا را

یا طبق ترجمه دیگر اگر بخواهیم این را به جای دیگر عطف بکنیم این یعنی:

عید نگیریم روزه بگیریم روزی که جزء اعیاد کفار است

یعنی روز عاشورا عید کفار بوده.

و دسته پنجم و آخرین دسته، روز عاشورا روز عید ناصبی‌ها است عید ناصبی‌ها، کتاب البدایه و النهایه را ملاحظه

بفرماید جلو 11 اینجا صفحه 577 می‌گویند:

«وَقَدْ عَاكَسَ الرَّافِضَةَ وَالشَّيْعَةَ يَوْمَ عَاشُورَاءَ النَّوَاصِبُ مِنْ أَهْلِ الشَّامِ»

می‌گویند یک عکس العمل ناصبی‌ها در مقابل شیعیان و رافضیان در روز عاشورا چه بود؟

«فَكَانُوا فِي يَوْمِ عَاشُورَاءَ»

ناصبی‌ها در روز عاشورا چه کار می‌کردند؟

«يَطْبُخُونَ الْحُبُوبَ»

غذا می‌پختند

«وَيَغْتَسِلُونَ»

غسل می‌کردند

«وَيَنْتَظِيُونَ»

اینها عطر می‌زدند به خود شان

«وَيَلْبَسُونَ أَفْخَرَ ثِيَابِهِمْ»

بهترین لباس‌های شان را می‌پوشیدند

«وَيَتَّخِذُونَ ذَلِكَ الْيَوْمَ عِيدًا»

این روز را ناصبی‌ها عید می‌گرفتند

«يَصْنَعُونَ فِيهِ أَنْوَاعَ الْأَطْعِمَةِ»

بهترین انواع غذاها را خلاصه درست می‌کردند

«وَيُظْهِرُونَ السُّرُورَ وَالْفَرَحَ»

این سرور و فرح خود شان را داشتند

«وَيُرِيدُونَ بِذَلِكَ عِنَادَ الرَّوَافِضِ وَمُعَاكَسَتَهُمْ»

دشمنی شیعه، برای دشمنی شیعه و عکس العمل نشان دادن در مقابل ایام عزای ابا عبدالله ناصبی‌ها این کار را انجام می‌دادند.

بنابر این جناب آقای علوی معلوم شد که کسانی که عاشورا را عید می‌گیرند چه ایل و تباری هستند از چه کسی تبعیت می‌کنند ما روایت صحیح السنه پیامبر را گفتیم که گفت این روز را عید نگیرید حالا تمام کسانی که آنروز و امروز در داخل یا خارج شادی احیاناً اگر بکنند راجع به عاشورا معلوم است یا طرفدار کفار هستند یا طرفدار نواصب هستند یا طرفدار خوارج هستند یا طرفدار یهود هستند یا طرفدار جاهلیت.

مجری:

شما ذکر و دلایلی که آوردید از هیچ منبع شیعی استفاده نکردید.

استاد روستایی:

اصلاً و ابداً هیچ کدام ببینید من منابعی که انتخاب کردم مثلاً همین منبع آخر که خدمت شما گزارش دادم از البدایه و النهایه ابن کثیر، ابن کثیر با شدت با شیعه دشمن است شاگرد ابن تیمیه است مثل استادش ناصبی است روایات فضائل امیرالمؤمنین را می‌گوید قلب من قبول نمی‌کند ما روایتی داریم مشهور حدیث طیر مشوی که پرنده کباب شده برای حضرت آوردند ابن کثیر می‌گوید بابا یک جلد قطور این سند دارد اما قلب من ابن کثیر قبول نمی‌کند شما نگاه کنید قلبی که چه باشد؟ دشمن اهل بیت باشد قبول نمی‌کند، حالا این آقا دارد می‌گوید آقا عاشورا را ناصبی‌ها عید می‌گرفتند یعنی خودش ناصبی است می‌گوید این کار ناصبی‌ها بود و به قول معروف

یک جایی می‌گوید نه اینها این کار را نکنند بهتر است ای کاش این کار را نمی‌کردند موارد دیگر جاهای دیگر دارد در بعضی قسمت‌ها، یعنی شما حساب کنید اینقدر این کار شرم‌آور است که خود این آقا دارد شرم می‌کند از این قضیه. البته جناب آقای علوی عزیز ما اینطوری نیست که بگوییم یک زمانی تصور بشود مثلاً ما یک سرس علما را نام بردیم یک سری چیزها را نام بردیم کسی تصور نکند که ما می‌گوییم آقا غیر شیعه اصبی هستند نه ما بعضی از موارد را داریم که بعضی از علمای اهل سنت تأکید کرده‌اند بر عزاداری برای آقا ابا عبدالله الحسین در عاشورا یا غیر عاشورا حتی بعضی‌ها را داریم که در مراسم‌های سینه‌زنی و اینها شرکت هم می‌کنند یک کلیپی را دوستان اتاق فرمان مان آماده کرده‌اند اگر امکان داشته باشد کلیپ شماره 00:3 این را با هم دیگر ببینیم ممنون می‌شود.

مجری:

بله دوستان اتاق فرمان کلیپ آماده است؟ بله آماده است

کلیپ شماره 3:

توصیه مولانا طاهر القادری از علمای مشهور اهل سنت پاکستان به عزاداری برای سید الشهداء توسط اهل سنت:

شنیده‌ام برخی افراد از سر نادانی و جهل می‌گویند: کجا نوشته شده است که باید برای حسین گریست؟ من شنیده‌ام که اعتراض می‌کنند که طاهر القادری برای حسین گریه می‌کند، چرا می‌گریاند؟ کجا نوشته شده که باید چنین کرد؟ بیایید می‌خواهم پاسخ شما را بدهم من چرا گریه می‌کنم؟ دلیل آن است که پیامبر گریه می‌کند! خدا شاهد است که اگر پیامبر نمی‌گریست من نیز هرگز گریه نمی‌کردم، از ام المؤمنین ام سلمه سؤال کنید، او نقل می‌کند که روزی وارد خانه شدم دیدم حسین در آغوش رسول خدا است، در صحاح سته نقل شده، طبرانی نقل کرده، بیهقی نقل کرده، طبقات ابن سعد را ببینید احمد حنبل نقل کرده، اینها کتب ما است، ام سلمه می‌گوید وارد خانه شدم و دیدم حسین در آغوش پیامبر است و ایشان اشک می‌ریخت، دارم پاسخ می‌دهم چرا طاهر

القادری برای حسین اشک می‌ریزد و چرا برای حسین روضه خوانده و مردم پاکستان را می‌گریاند، برای اینکه پیامبر در سوگ حسین گریسته است هر کس در دلش ایمان است او نیز برای حسین اشک می‌ریزد، این اشک مخالف صبر نیست، اگر این اشک را مخالف صبر بدانید به بیراهه کشیده می‌شوید، پیامبر گریسته است، ام سلمه می‌گوید از پیامبر سؤال کردم: یا رسول الله تو را چه چیزی به گریه آورده؟ رسول خدا کوه صبر است! چرا اشک می‌ریزی؟ پیامبر فرمود: جبرئیل به نزد من آمد و خبر داد که فرزندم حسین پس از من در زمینی به نام کربلا کشته می‌شود و برایم تربتی سرخ رنگ آورد جبرئیل نزد من آمد و از من سؤال کرد که ای پیامبر: تو حسین را بسیار دوست می‌داری؟ پاسخ دادم آری! پس جبرئیل گفت: ای پیامبر! امت تو چنان پست می‌شوند که فرزندان حسین را شهید خواهند کرد در سر زمینی به نام کربلا، و این خاکی است که جبرئیل برای من از محل شهادت او آورده است. ام سلمه گوید: پیامبر آن خاک را در شیشه‌ای گذاشت و به من سپرد و گفت: ای ام سلمه؛ این خاک کربلا است آن را نگهدار و زمانی که رنگ این خاک به رنگ خون شد بدان که حسین را شهید کرده‌اند، این سخنان را پیامبر بر زبان جاری می‌ساخت و اشک می‌ریخت! چرا در سوگ حسین گریه نکنیم؟ خطیب بغدادی می‌گوید: چرا در غم حسین گریه نکنیم؟ وای اهل سنت اگر شما برای حسین اشک نریزید به خدا قسم در تمسک شما به سنت پیامبر به شک می‌افتم! شما سنی نیستید! تعجب خواهم کرد که شما را چه شده؟ چرا برای حسین اشک نمی‌ریزید؟ آیا شما را سحر کرده‌اند؟ سنی بودن قرین غم حسین است.

مجری:

فرصت مان بسیار اندک است این دقایق باقی مانده را از محضر جناب استاد روستایی استفاده کنیم.

استاد روستایی:

خواهش می‌کنم، ما گونه دومی که در سیتز با عاشورا داریم بحث جعل حدیث است احادیثی جعل کرده‌اند مبنی بر اینکه آقا در این روز حضرت موسی بر فرعون غلبه کرد، در این روز خلاصه اهل جنت و بهشت خدا را می‌بینند، در این روز از جانب طور ایمن ندا داده می‌شود و خلاصه اینها همه می‌گویند در روز جمعه و بعد می‌گویند یک

عاشورا می‌رسد که می‌گوید اینها همه عاشوار بوده در واقع، بعد بعضی‌ها را می‌آید می‌گوید مثلاً در ماه شوال بوده بعد می‌گوید، ببینید جعل را ببینید آقا علوی:

«وَأُولَٰئِكَ مَوْسَىٰ بْنُ عِمْرَانَ يَوْمَ الْاِثْنَيْنِ يَوْمَ عَاشُورَاءَ»

حضرت موسی روز دوشنبه روز عاشورا به دنیا آمد

«وَكَانَ طُولُهُ سَبْعَةَ أذْرَعٍ»

می‌گوید: هفت ذراع بود طول حضرت موسی

بعد حالا من لحظه اول که این عبارت را دیدم گفتم هر ذراع نیم متر خب سه متر و نیم بوده موقعی که به دنیا آمده، بعد ادامه‌اش می‌گوید نه آقا:

«وَذَلِكَ الذَّرَاعُ خَمْسَةُ أَشْبَارٍ»

این ذراع پنج وجب است

یعنی اگر شما هر وجبی را بیست سانت فرض بکنید (یک متر) هفت متر بوده حضرت موسی موقعی که به دنیا آمده.

مجری:

پس یک مادر پنجاه متری داشته حضرت

استاد روستایی:

احتمالاً، این عاشورای که اینها می‌خواهند فضیلت برای آن درست کنند ببینید چطوری می‌خواهد به قول معروف می‌گوید اینقدر آش شور می‌شود که دیگر، حضرت موسی هفت متر بود روز عاشورا به دنیا آمد این فضیلت

عاشورا ست، نمی‌دانم حضرت عیسی روز عاشورا به دنیا آمد بعد نمی‌دانم روز عاشورا، می‌آید خیلی جالب است می‌گوید یک پرنده‌ای ما داریم که به قول معروف که به او صرصار می‌گویند بعد این صرصار نمی‌دانم دوتا بال دارد بعد به او صوام هم می‌گویند چرا؟ چون این اولین پرنده‌ای بوده که روز عاشورا روزه گرفته، پرنده روزه می‌گیرد نمی‌دانم حضرت موسی هفت متری به دنیا می‌آید آن یکی نمی‌دانم چهاری متری به دنیا می‌آید، اصلاً یک چیزهای درست کرده‌اند به عنوان فضیلت روز عاشورا، احادیث متعدد آقا این روز نمی‌دانم باید سرمه بزنی، امروز باید به اهل و عیالت برسی و فلان و جالب اینجا است تمام اینها جعل و کذب و دروغ است ببینید من اینجا بعضی از اینها را خدمت شما فقط سندش را سه سرعت نشان بدهم اینکه دارم می‌گویم اینها جعل و دروغ و کذب است از خودم ادعا نمی‌کنم ببینید:

کتاب الفروع، جلد 5 ، صفحه شماره 92

می‌گوید: آقا ابن جوزی اینها را در علل المتناهیة آورده و گفته اینها جعلی است بعد می‌گوید دارالقطنی منکر است، ابو هریره گفته سند ضعیف است، اینها همه می‌گویند جعل نواصب و جهال است این چیزهای که آقایان درست کرده‌اند. یا مثلاً در کتاب الاقناع

کشاف القناع عن متن الاقناع، جلد دوم

اینجا چه می‌آید می‌گوید؟ اینجا می‌آید می‌گوید:

آقا تمام چیزهای که روایت شده در فضیلت سرمه کشیدن در عاشورا، خضاب کردن در عاشورا، غسل کردن، روبوسی، نماز در عاشورا فَكِذْبٌ تما آن چیزهای که گفتند آقا روز عاشورا دست روی سر یتیم بکشید، غذای خوب بپزید، نمی‌دانم گوشت ذبح کنید تمام اینها کذب است از پیامر هیچ چیزی نیست همه آن بدعت است.

بعد در ادامه باز می‌آید می‌گوید: تمام اینهایی که آمده‌اند درست کرده‌اند نمی‌دانم آقا، آقای ابن عیینه نمی‌دانم من تجربه کردم شصت سال هفاد سال، تمام آن کذب است اینها اصلاً حدیثی در این باره ما نداریم و جالب اینجا است باز کتاب کشف الخفاء، حالا من خیلی مختصر دارم عرض می‌کنم جلد دوم

کتاب کشف الخفاء، جلد دوم، صفحه 513،

می‌آید می‌گوید:

باب فضائل عاشورا و اینکه استحباب روزه‌های این روز را و تمام چیزهای که گفته‌اند انفاق، نماز، نمی‌دانم خضاب کردن، عطر زدن و روغن مالی بدن و نمی‌دانم آشپزی و فلان مجموعه موضوع مفتری

بعد می‌گوید: اینها را قاتلین امام حسین آمده‌اند به قول معروف درست کرده‌اند

مجری:

جناب استاد متأسفانه کمتر از یک دقیقه زمان داریم.

استاد روستایی:

بله، خب ما گونه‌های دیگری هم داریم من فقط مجبورم نام ببرم، کتاب نوشته‌اند در فضیلت عاشورا، جنگ با شیعه کردند برای اینکه محرم مراسم نگیرند، حاکمان آمدند شیعیان را سرکوب کردند که مراسم نگیرند، آمدند مشابه سازی کردند در برابر عاشورا آمدند برای مصعب بن زبیر اینها مراسم گرفتند شما ببینید کتاب البدایه و النهایه ابن کثیر جلد 15، صفحه 483 نقل می‌کند می‌گوید:

شیعه برای امام حسین عزاداری می‌کرد طائفه دیگری از جهله اهل سنت آمدند روز 18 محرم را برای مصعب بن زبیر مراسم گرفتند مآثم گرفتند همان طور که شیعه می‌گرفت، زیارت قبرش رفتند کما اینکه شیعه زیارت قبر امام حسین می‌رفت.

این هم باز گونه دیگری است که در مورد عاشورا انجام دادند.

و آخرین گونه هم بحث فتوی به کشتن مداح‌ها است. پس بنابر این ببینید جشن گرفتن در عاشورا، جعل حدیث، نوشتن کتاب، جنگ با شیعه، مقابله حاکمان، مشابه سازی، و فتوی به کشتن مداح‌ها اینها هفت گونه‌ای بود که به عنوان مقابله با عاشورا در تاریخ رخ داده است.

مجری:

سپاسگذار هستم از شما جناب استاد این شاءالله فرصت دیگری پیش بی‌آید که بتوانیم مبسوط‌تر با ایت بحث در خدمت شما باشیم. فرصت مان به پایان رسیده است.

عشق حسین ما را تنها نمی‌گذارد

گر خلق واگذارند او را نمی‌گذارد

امام حسین همیشه این شاءالله برکت زندگی‌تان باشد یا علی مدد.